



برندگان کارلووی واری

مستند مارک کازینز به نام «نگاهی ناگهانی به چیزهای عمیق تر» که درباره هنرمند اسکاگاندی ویلهلمینا بارنز گراهام است و تیلدا سوینتون آن را روایت می کند برنده ی جایزه ۲۵ هزار دلاری کریستال گلوب، جایزه برتر پنجاه و هشتمین دوره ی جشنواره بین المللی فیلم کارلووی واری شد. این مستند کاوش در تجربه محوری سال ۱۹۴۹ بر فراز یخچال های طبیعی گریندل والد سونیس است که دیدگاه هنری ویلهلمینا بارنز گراهام، نقاش مدرنیست بریتانیایی را برای دهه های آینده تغییر داد. کازینز هنگام دریافت این جایزه گفت: «من به هیچ عنوان انتظار چنین چیزی را نداشتم». او درباره بارنز گراهام گفت: «او دنیا را تغییر نداد. اما او به طور کامل، تمام و کمال زندگی کرد. بیاید سعی کنیم این کار را انجام دهیم». فیلم «دوست داشتنی» به کارگردانی لیلیا اینگولفسدوتیر برنده ی جایزه ویژه هیئت داوران به مبلغ ۱۵ هزار دلار شد. جایزه تماشاگران جشنواره به فیلم «موج ها» جیری مدل و جایزه ی بهترین کارگردان به لیسیا لوبرای فیلم «پیرس» رسید.



شفاف سازی مالی  
وزارت ارشاد و سازمان سینمایی

انجمن تهیه کنندگان مستقل سینمای ایران، در نامه ای به وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی شفاف سازی مالی مجموعه های وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان سینمایی را خواستار شد. بخشی از متن نامه به وزیر فرهنگ و ارشاد اشاره ای به شرح زیر است: «سلام. با عنایت به روزهای پایانی دوره وزارت حضرتعالی مقتضی است؛ به مدیران محترم زیرمجموعه دستور فرمایید در روال دوره قبل، نسبت به ارائه گزارش شفاف مالی در کلیه بخش ها به خصوص سازمان سینمایی اقدام نمایند. بدون شک شفاف سازی عملکرد مالی بنیادها و بخش های زیرمجموعه خصوصاً بنیاد سینمایی فارابی، مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی، سینما شهر، صندوق اعتباری هنر و... از جمله اعدام و انتشار اسامی تولیدات با قید میزان مشارکت دولت، میزان دریافتی افراد و مدیران پروژه ها، هزینه های مترتب بر حضور مدیران و نمایندگان زیرمجموعه ها در رویدادها و فستیوال های بین المللی جهانی، یادگاری مهم از دوران وزارت حضرتعالی خواهد بود.»



پرویز آقارخ، نقاش اصفهانی درگذشت

استاد پرویز آقارخ، نقاش اصفهانی درگذشت. ایسنا ضمن اعلام این خبر نوشت، پرویز آقارخ، هنرمند پیشکسوت نقاشی در سال ۱۳۴۲ در اصفهان متولد شد. او دانش آموخته مقطع کارشناسی انیمیشن از ایتالیا بود. به گفته عباس عقیلی، پیشکسوت هنرهای تجسمی: «مرحوم آقارخ، شخصیت صادق و خوبی داشت و انسانی بسیار محترم بود و کار او نیز صحیح و بی عیب بود. او در تکنیک رنگ و روغن به ویژه نقاشی پرتره و صورت سازی، جزو معدود هنرمندان اصفهان بود». علیرضا شهنشیری، هنرمند پیشکسوت گرافیک نیز در رابطه با آقارخ گفت: «پرویز آقارخ از پیشکسوتان نقاشی، به ویژه نقاشی رئال و هایپر رئال بود. او دوره های نقاشی نگارگری، نقاشی سنتی و کلاسیک را نیز طی کرد و در آموزشگاه خود واقع در مرکز تجاری چهارباغ، هنر جوانان بسیاری را پرورش داده است». مراسم خاکسپاری مرحوم پرویز آقارخ، روز سه شنبه ۱۹ تیرماه در قطعه نام آوران باغ رضوان اصفهان برگزار می شود.



قوم نگاری  
از مناسک محرم  
درباره مستند اربعین اثر ناصر تقوایی

عکس: تسنیم



رضا صائمی  
خبرنگار گروه فرهنگ

**اساساً تقوایی در مستند «اربعین» صرفاً به دنبال نمایش یک آیین مذهبی نیست، بلکه در پس آن تلاش می کند تا روایتی جامعه شناسانه و مردم شناختی از یک باور جمعی و تجلی آن در مناسک و آیینی مذهبی را صورت بندی کند. وقتی فیلم را می بینید گویا این فیلم یک قطعه موسیقایی بسیار فهیم است که درباره آن اندیشیده شده و پشت آن فکر است**

اگر هنوز کسی مثل بهرام بیضایی نتوانسته فیلمنامه ای درباره قصه کربلا بنویسد تا فیلم «روز واقعه» ماندگار شود، در سینمای مستند هم کسی به خوبی ناصر تقوایی در مستند «اربعین» نتوانسته این آیین را به تصویر کشیده و روایت کند. مستندی پژوهشگرانه و استخوان دار که گزارشی از آیین عزاداری بوشهری هاست که سال ۴۹ آن را با دوربین مهرداد فخیمی وسط مسجد دهدشتی و بهبهانی بوشهر می سازد. با تصویرهای بکر و صدای جریح و حماسی «بخشو» با نام اصلی جهانبخش کردی زاده؛ کسی که بعدها لحن، نوا و آهنگ صدایش را در «ممد نبودی» کویتی پور شنیدیم. البته پسرش می گوید، فامیلی پدرش «بخشی» است و تقوایی در تیتراژ آن را به «بخشو» تغییر داده است، اما تمام تصاویر به عزاداری ختم نمی شود. لنج ها را می بینیم، دمام زن ها و سنج زن ها، ماکت کربلا و شمع ها

از این حیث دکوپاژ در این مستند، نقش و جایگاه مهمی پیدا کرده است و نقطه قوت اثر از لحاظ فرمی و ساختار روایی است. عزاداری مردم جنوب با زیست فرهنگی و تاریخی آنها ارتباط مستقیم دارد. زندگی از طریق دریا، ماهیگیری و سفرهای تجاری دشواری های خود را دارد. این فیلم در سال ۱۳۴۹ در بوشهر ساخته شده است و نشان از آن دارد که مردم بوشهر در زندگی عادی خود با حماسه های کوچک و بزرگ در زندگی روبه رو هستند. در این فیلم ناصر تقوایی کسی را که برای روایتگری اصلی انتخاب کرده جهانبخش کردی زاده معروف به «بخشو» است؛ کسی که صدای زخمی، اسطوره ای و حماسی داشت و این با زندگی و زیست مردم آن منطقه نسبت دارد. مردم دیگر مناطق این نوع عزاداری را ندارند و عزاداری مردم جنوب رنگ خاصی دارد؛ گویا دمام زن های این مراسم از دل تاریخ آمده اند. حتی پیکره، صورت و نگاه آنها رنگ خاصی دارد. نگاه شان عمیق و پیر از تلخی و اندوه است و روایت های بسیار زیادی از محیط زیست آن منطقه دارد. فیلم با نمایی از ماکتی از کربلا و شمع ها آغاز می شود و گویا سال هاست که این عزاداری بوده و همانند فلاش بک این خاطرات مرور می شود، به دمام زن ها و سنج زن ها می رسد که

و هیئتی هایی که دارند مسجد را سیاه پوش می کنند تا روایت مردم شناختی از یک زیست-بوم هم در دل اثر بازنمایی شود. در اینجا خود دوربین هم انگار به یکی از عزاداران مسجد تبدیل شده و هویت سوپزکتیو پیدا می کند. در واقع مستند «اربعین» در کنار اینکه یک اثر جامعه شناسانه و مردم شناسانه است، احساس تقوایی است در ۲۱ دقیقه از گرم ترین و باحس ترین مردمانی که تمام زندگی شان آیین است و مناسک. فارغ از سوبه های محتوایی این مستند مردم نگارانه، فرم و ساختار روایی آن قابل توجه و تأمل است. برش های متعدد تصویری به ریتم متوازن آن کمک کرده و جغرافیای اثر را به خوبی بازنمایی می کند. مستند «اربعین» سرشار از اینسرت ها و کات های تصویری است که ذهن مخاطب را بر نمادهای به کار برده شده در آیین و رسوم عزاداری مردم جنوب ایران درگیر می کند. نماهای اینسرتی برگرفته از پرچم ها و دیوارنوشته ها از جمله این تمهیدات است که در طول مستند زیاد می بینیم و فیلمساز به عمد روی آن متمرکز شده است تا نشان دهد یک مراسم عزاداری علاوه بر کلیات جمعی یک آیین مذهبی مملو از جزئیات جذاب تاریخی، اجتماعی و فرهنگی است که می تواند در یک خوانش نشانه شناختی مورد تحلیل قرار بگیرد.

تعزیه سدهای ها

نگاهی به فیلم کوتاه مستند کاروان به کارگردانی محسن امیریوسفی



فرزاد نعمتی  
خبرنگار گروه فرهنگ

«سیده» (همایون شهر سابق و خمینی شهر فعلی) شهری با جمعیتی ۲۵۰ هزار نفر در مجاورت شهر اصفهان است که اصغر فرهادی، بین المللی ترین کارگردان ایران در آنجا زاده شده است. جز فرهادی اما یکی دیگر از هنرمندان آوانگارد و پیش روی سینمای ایران، محسن امیریوسفی نیز اصالتی خمینی شهری دارد و برخی از آثارش نیز در همان شهر و براساس مختصات فرهنگی و اجتماعی آن دیار ساخته شده اند. امیریوسفی در نخستین اثر بلندش، «خواب تلخ» به داستان مرده شور پیری به نام اسفندیار در شهر سده می پردازد؛ فیلمی متفاوت و تحسین برانگیز که نام کارگردان جوانش را در آغاز دهه ۱۳۸۰ در زمره یکی از استعداد های سینمای ایران که باید چشم به موفقیت روزافزونش

داشت، بر سر زبان ها انداخت. متاسفانه اما این فیلم که جوایز بین المللی قابل توجهی نیز دریافت کرد، توقیف شد و بعد از ۱۲ سال به آکران عمومی راه یافت. دیگر فیلم بلند امیریوسفی، «آتشکار» با سوزهای نو و جسورانه، اما در سال ۱۳۸۶ با بازی حمید فرخ نژاد، باز در استان اصفهان ساخته شد و پس از سه سال در سال ۱۳۸۹ آکران شد. این فیلم داستان سهراب، آتشکار ذوب آهن اصفهان است که چهار دختر دارد اما در آرزوی داشتن پسری نیز هست. از طرفی همسرش از او می خواهد به عمل وازکتومی رضایت دهد و از سوی دیگر عرف ها و سنت های اجتماعی او را از این عمل بازمی دارند. هر دو فیلم «خواب تلخ» و «آتشکار» جدا از اینکه در بافت جغرافیایی و فرهنگی مشابهی ساخته شده اند، اما هم بدرستی در تلفیق فرهنگ خاص خمینی شهری با نگره های کلی ایرانی موفق از آب درآمدند و هم در زمینه بازنمایی شکاف سنت و مدرنیته در جامعه ایران اهمیت دارند و تنش هایی را که این شکاف در حوزه عمومی و حیطه خصوصی افراد ایجاد می کند، بر ملا می سازند.

با این همه جدا از این آثار سینمایی بلند، امیریوسفی در زمینه

فیلم های کوتاه و مستند نیز فعالیت کرده است. او در سال ۱۳۷۶ نخستین فیلم کوتاهش، «نادر فرزند شمشیر» را براساس اقتباسی از داستان «شمشیر» نوشته فرانتس کافکا ساخت. در سال ۱۳۷۸، فیلمی کوتاه به نام «دست های سنگی» را کارگردانی کرد و در سال ۱۳۸۱ مستند کوتاه «کاروان» امیریوسفی را که به نمایش برگزاری مراسم تعزیه خوانی و حرکت نمادین کاروان اسرار در شهر خمینی شهر می پردازد، مرکز گسترش سینمای مستند تجربی تهیه کرد. این فیلم ۲۷ دقیقه ای سراغ گروهی در خمینی شهر می رود که هر سال روز هشتم ماه محرم مراسم تعزیه ای شلوغ و میدانی را با محوریت حرکت کاروان های اسرا در خیابان های شهر به اجرا در می آورند. دوربین بایرام فضلی، فیلمبردار این فیلم نخست بر نمایش جزئیات آماده سازی اعضای این گروه متمرکز می شود و در کنار این، گفت و گوهایی نیز با عوامل و مدیر اصلی این تعزیه دیده می شود که در انتقال حس و حال و انگیزه این مردمان عادی در برگزاری چنین مراسمی که گفته می شود روی هم رفته بیش از ۲۲۰۰ نفر از اهالی شهر در آن مشارکت دارند، مؤثر است. گرداننده اصلی این مراسم و سایر بازیگران نقش های اصلی، هیچ کدام از عوامل حرفه ای سینما، تئاتر و تعزیه نیستند، بلکه عموم آنها مشاغل چون رانندگی جاده ای، پفک فروشی، باربری ماشین و... دارند. با این همه با ذوق و شوقی که در بیان و نگاه آنها مشهود است، خود را وقف این مراسم سالانه می کنند و مشخص است که در طول سالیان اجرا نیز تجهیزات کامل و در خوری برای اجرای بهتر آن تهیه شده است. در نمایش خیابانی